

بررسی الزامات و اقدامات سازگاری با تغییر اقلیم و نقش قوه مقننه در آن
۱. اصول تنظیم قوانین و برنامه‌های بالادستی در سازگاری با تغییر اقلیم

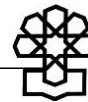
معاونت پژوهش‌های زیربنایی و امور تولیدی
دفتر: مطالعات زیربنایی

کد موضوعی: ۲۵۰
شماره مسلسل: ۱۶۴۳۳
اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۸

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	چکیده.....
۲	مقدمه.....
۲	۱- مفهوم تغییر اقلیم و تبعات آن.....
۲	۱-۱. تبعات تغییر اقلیم بر منطقه جغرافیایی ایران.....
۷	۲. سیاست و راهبردهای تغییر اقلیم در ایران.....
۷	۱-۲. دولت جمهوری اسلامی و کنوانسیون‌های بین‌المللی تغییر اقلیم.....
۸	۲-۲. مجلس شورای اسلامی و کنوانسیون‌های تغییر آب‌وهوا.....
۹	۳. سیری بر قوانین کشورها در مبحث تغییر اقلیم.....
۱۰	۱-۳. سیر زمانی قوانین و دستورات اجرایی مرتبط با تغییر اقلیم.....
۱۱	۴. اقدامات تقنینی در حوزه تغییر اقلیم در استرالیا.....
۱۲	۵. اصول نظری در تدوین قانون تغییر اقلیم.....
۱۲	۱-۵. اصول نظری در تدوین قانون تغییر اقلیم.....
۱۲	۲-۵. ویژگی‌های قابل ارائه برای یک قانون عمومی تغییر اقلیم.....
۱۳	۳-۵. مؤلفه‌های قانون عمومی تغییر اقلیم.....
۱۸	۴-۵. بازبینی، ارزیابی و اصلاح راهبرد ملی تغییر اقلیم.....
۱۹	جمع‌بندی.....
۲۰	منابع و مآخذ.....



بررسی الزامات و اقدامات سازگاری با تغییر اقلیم و نقش قوه مقننه در آن

۱. اصول تنظیم قوانین و برنامه‌های بالادستی در سازگاری با تغییر اقلیم

چکیده

پدیده «تغییر اقلیم» یکی از اصلی‌ترین تهدیدها برای اقتصاد و محیط زیست جهانی شناخته شده است که در صورت انجام ندادن اقدامات مناسب، تبعات آن بر آینده بشری - به خصوص جوامعی با سطح توسعه‌یافتگی پایین‌تر - بیشتر نیز خواهد شد. کشورها برای حفظ توسعه پایدار و در نهایت امنیت ملی خود، راهبردهای مختلفی را برای سازگاری با این پدیده اتخاذ کرده‌اند که اقدامات تقنینی، اساسی‌ترین و اصلی‌ترین آنها بوده است. بررسی سیر قوانین کشورها نشان می‌دهد که به خصوص بعد از پیمان کیوتو در سال ۱۹۹۷، قوانین متعددی در جهت «کاهش گازهای گلخانه‌ای» و «سازگاری با تغییر اقلیم» وضع شده است. این روند طی سال‌های اخیر کمتر شده و تمرکز آن بیشتر به سمت «جاری‌سازی» این پدیده در اسناد بالادستی و برنامه‌های توسعه قرار گرفته است. رویکردی که در نهایت بتواند از آسیب‌پذیری جوامع به «تغییر اقلیم» بکاهد، ظرفیت‌های آنها را در سازگاری و تاب‌آوری افزایش دهد، به توسعه با نگاه پایدار و حفظ محیط زیست اولویت دهد و در عین حال نیز از فرصت‌های ممکن آن بهره‌جوید. در این راستا و نظر به موقعیت جغرافیایی کشور ایران که بیشترین تبعات منفی از این پدیده را متحمل می‌شود (عمدتاً عرض‌های میانی جهان)، وضع یک قانون عمومی برای سازگاری با پدیده تغییر اقلیم در کشور به طور جدی ضروری به نظر می‌رسد. قانونی که با اتکا به ظرفیت‌های علمی و عملیاتی کشور، فرهنگ و هویت ملی، استفاده از تجربیات جهانی؛ تدوین راهبردها و سیاستگذاری‌های لازم را در سازگاری با این پدیده سبب شود. طرح «بررسی الزامات و اقدامات سازگاری با تغییر اقلیم و نقش قوه مقننه» نیز با این انگیزه و به منظور بررسی اقدامات تقنینی دیگر کشورها پیرامون این پدیده، توسط مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تعریف شد. طرح، بخش‌های مختلفی را شامل می‌شود که در این خلاصه، به تبعات این پدیده بر حوزه‌های مختلف منطقه جغرافیایی ایران همراه با رویکردها و اقدامات برخی از کشورها در سازگاری با تغییر اقلیم اشاره می‌شود. در نهایت با بررسی سوابق قانونگذاری و سیاستگذاری در این حوزه، به اصولی در تدوین قانون عمومی تغییر اقلیم اشاره می‌شود. در این راستا، محورهایی مانند: ۱. اختیارات دولت، ۲. سازمان لازم برای مدیریت این پدیده، ۳. جاری‌سازی چالش تغییر اقلیم در تدوین قوانین و برنامه‌های توسعه، ۴. بهره‌برداری از فرصت‌های این پدیده، ۵. شفاف‌سازی

داده و اطلاعات، ۶. تغییر الگوی مصرف، ۷. کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، ۸. حمایت از تحقیق و توسعه، ۹. تأمین منابع مالی، ۱۰. ارتقای مشارکت و مسئولیت‌پذیری جامعه، ۱۱. نظارت و ارزیابی اقدامات؛ همواره مورد توجه بوده‌اند.

مقدمه

خلاصه حاضر به عنوان بخشی از گزارش اصلی طرح، تلاش دارد تا شمایی از تبعات پدیده تغییر اقلیم بر ایران را در مقایسه با جهان، روندی از اقدامات تقنینی کشورها در مدیریت این پدیده و اصولی که باید در تدوین قوانین اسناد بالادستی در سازگاری با تغییر اقلیم مدنظر قرار گیرند را ارائه دهد.

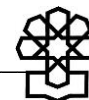
۱. مفهوم تغییر اقلیم و تبعات آن

تغییرات اقلیم یا تغییر آب‌وهوا^۱ به معنای هرگونه تغییر مشخص در الگوهای مورد انتظار برای وضعیت میانگین آب‌وهوایی است که در طولانی‌مدت در یک منطقه خاص یا برای کل اقلیم جهانی، رخ می‌دهد. این پدیده باعث تغییرات غیرعادی در اقلیم درون اتمسفر زمین شده و پیامدهای بسیار متنوعی دارد که می‌تواند از افزایش دما شروع شده و در نهایت بنیان‌های اجتماعی و امنیت جوامع را تحت تأثیر قرار دهد.

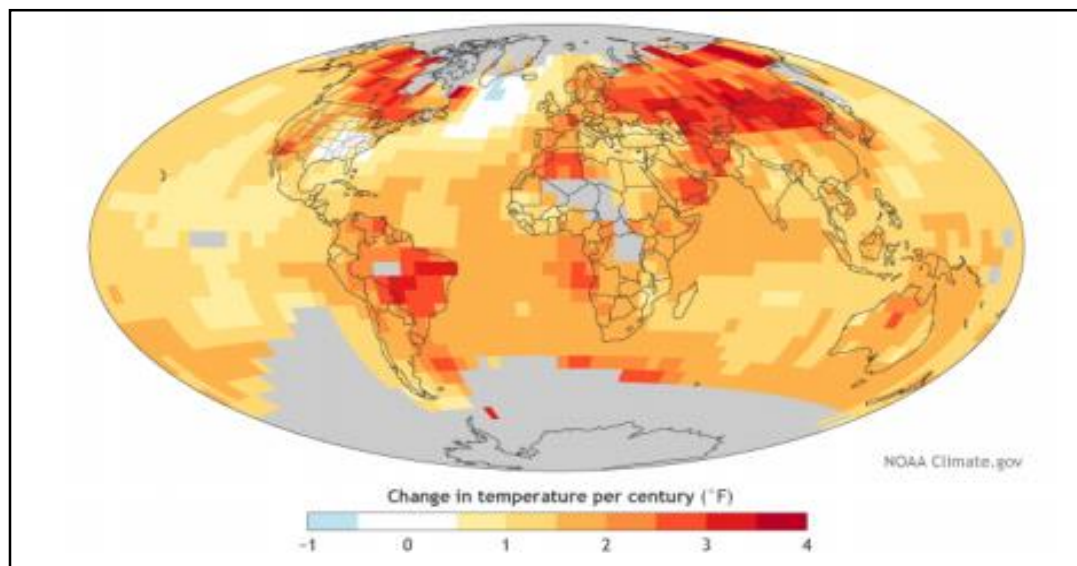
۱-۱. تبعات تغییر اقلیم بر منطقه جغرافیایی ایران

شروع تبعات پدیده تغییر اقلیم با افزایش جذب تابش خورشیدی و بالا رفتن دما در کره زمین است که در شکل ۱ موقعیت تغییرات دمایی منطقه جغرافیایی ایران نسبت به جهان قابل مشاهده بوده و ملاحظه می‌شود که در قرن گذشته محدوده جغرافیایی کشور ما شاهد شدیدترین افزایش‌ها بوده است. مراجع بین‌المللی و تحقیقات داخلی نشان می‌دهند که تبعات این افزایش دمایی گسترش یافته و به تدریج حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و امنیتی را نیز فرامی‌گیرد؛ مواردی که بر منطقه جغرافیایی کشور ما شواهد ملموسی دارد. در ادامه به استناد مطالعات جهانی تلاش می‌شود تا به وضعیت کلی جهان و ایران متأثر از پدیده تغییر اقلیم پرداخته شود.

۱. در این متن عبارت «تغییر اقلیم» مبنا بوده است، مگر اینکه در مرجع مورد استفاده واژه «آب‌وهوا» به‌صراحت آمده باشد.



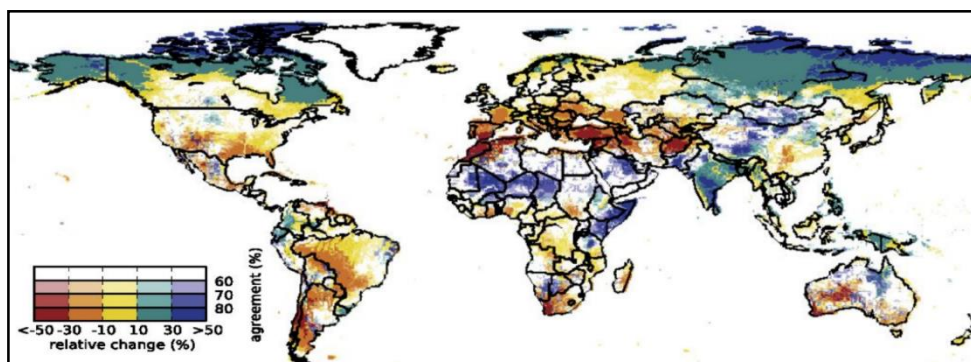
شکل ۱. تغییر دما به ازای یک قرن برای دوره ۱۹۰۰ الی ۲۰۱۴ (F°)^۱



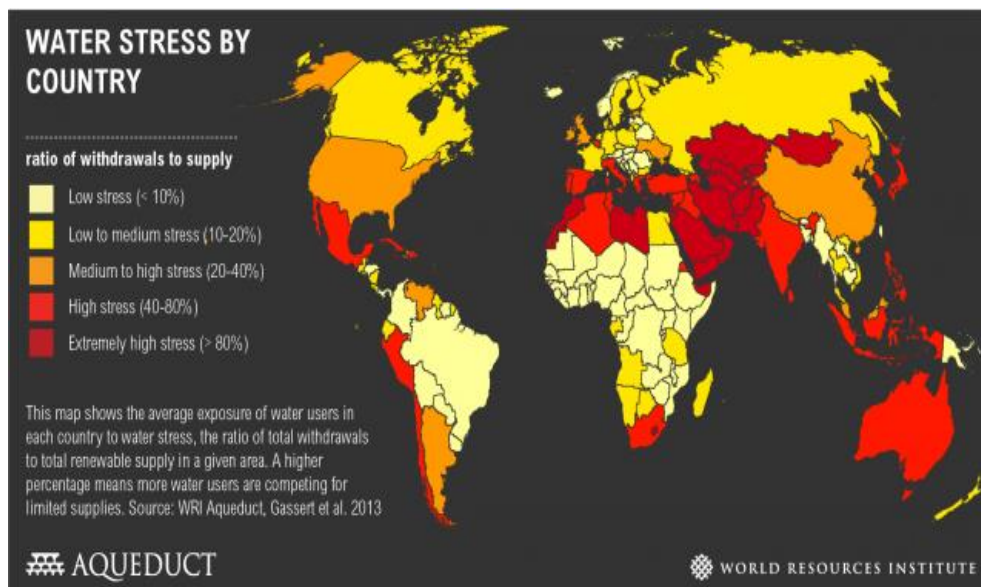
۱-۱-۱. منابع آب

یکی از مهم‌ترین تبعات پدیده تغییر اقلیم بر «حوزه آب» است. عنصری که بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و امنیتی کشور را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. بررسی جهانی بیانگر آن است که تأثیرات این پدیده بر منطقه جغرافیایی کشور ایران (عرض‌های میانی) از مخاطرات بیشتری برخوردار است. شکل ۲ نشان می‌دهد که منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا بیشترین تبعات منفی را از افزایش دمای جهانی تحمل خواهند کرد. این در حالی است که در شرایط کنونی نیز این منطقه با شدیدترین تنش‌های آبی مواجه است. (شکل ۳)

شکل ۲. اثر تغییر اقلیم بر رواناب تحت شرایط افزایش دما معادل ۲ درجه سانتیگراد و آسیب‌پذیری غرب آسیا (Schewe et al., ۲۰۱۴)



1. www.noaa.gov

شکل ۳. وضعیت تنش آبی کشورهای جهان و شدت منطقه غرب آسیا^۱

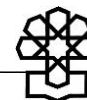
۲-۱-۱. اقتصاد

بخشی از مخاطرات اقتصادی تغییر اقلیم ناشی از ارتباط متعادل آب با غذا، انرژی و محیط زیست است. بدین ترتیب، این پدیده افق مطلوبی برای رشد اقتصاد جهانی نشان نمی‌دهد و رشد آن را کند می‌کند. مناطقی از جهان رشد اقتصادی خود را تا ۶ درصد از GDP^۲ مربوط از دست خواهند داد که نتیجه کاهش منابع آب و تبعات آن بر بخش‌های کشاورزی، سلامت، درآمد و فقر است. وضعیتی که آنها را در شرایط مستمر رشد منفی اقتصادی قرار می‌دهد. مدل‌های اقتصادی نشان می‌دهند که مدیریت منابع آب تا حدی می‌تواند تبعات اقتصادی تغییر اقلیم را کنترل کند و تأثیرات آن را تخفیف دهد. شکل ۴ تأثیر دو سناریوی مدیریت فعلی منابع آبی و ارتقای آن به سمت رویکردهای کارآمدتر را بر رشد اقتصادی کشورها نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که مناطقی مانند منطقه آسیای جنوب شرقی می‌توانند حتی از رشد منفی عبور کرده و به شرایط مثبتی هم دست یابند.

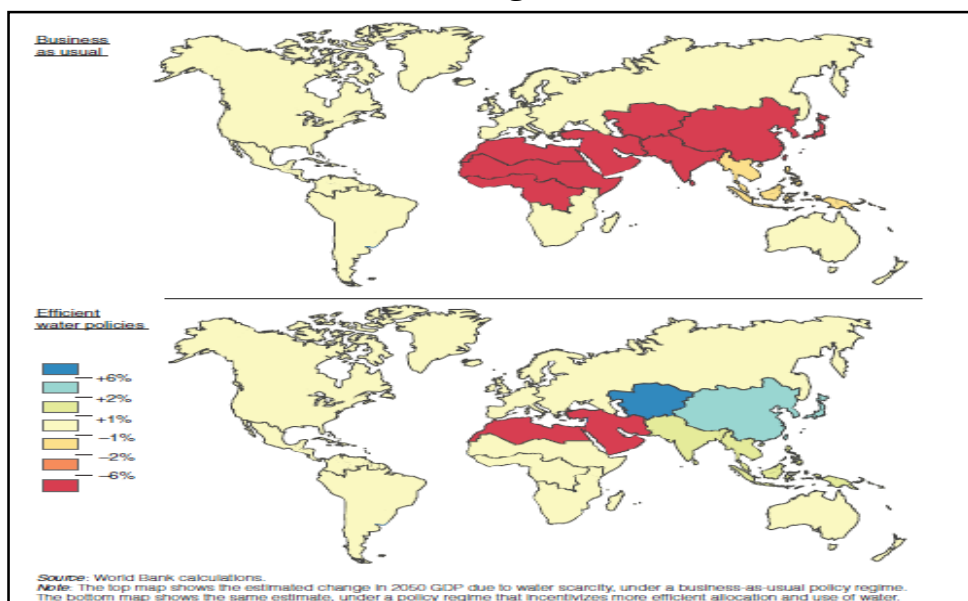
شکل ۴ پیچیدگی مدیریت منابع آب را در شرایط آبی در کشورمان نشان می‌دهد. بدین معنا که حتی با تغییر برخی سیاست‌ها، همچنان تبعات منفی اقتصادی و کاهش رشد آن اجتناب‌ناپذیر است. لذا، عبور از بحران‌های اقتصادی پدید، به رویکردها و نگاه‌های نو در مدیریت اقتصاد کشورها نیاز دارد.

1. <http://www.wri.org/resources/charts-graphs/water-stress-country>

۲. تولید ناخالص داخلی (Gross Domestic Product)



شکل ۴. برآورد تأثیر کمبود آب بر GDP جهانی تا سال ۲۰۵۰
تحت دو سناریوی مدیریتی (World Bank, 2016)



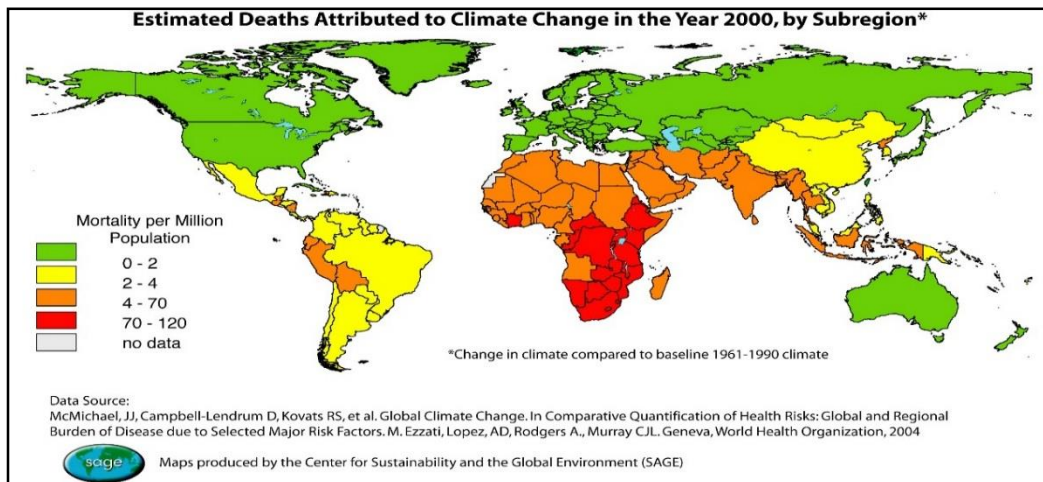
۳-۱-۱. اجتماع

تغییر اقلیم موجب تشدید تنش‌ها در دسترسی و بهره‌برداری از منابع طبیعی، تضعیف معیشت جوامع، شکنندگی دولت‌ها، جابه‌جایی و تلفات انسانی خواهد شد. در سال ۲۰۱۶ گزارشی توسط نشست جهانی اقتصاد^۱ منتشر شد که در آن «مهاجرت‌های اجباری» و «تغییر اقلیم» به عنوان بزرگ‌ترین مخاطرات برای اقتصاد جهانی شناسایی شدند. همچنین در شرایطی که بحث جهانی شدن^۲ و ارتباطات جهانی بیش‌ازپیش خودنمایی کرده، تبعات منفی تأثیر تغییر اقلیم بر کشورها به مرز جغرافیایی آنها محدود نشده و آنها را تحت تأثیر مناطق اطراف خود قرار خواهد داد. مهاجرت‌های گسترده از مناطق فقیر به مناطقی که از وضعیت بهتری برخوردارند و تبعات اجتماعی آن، بخشی از تنش‌های قابل پیش‌بینی است.

۴-۱-۱. بهداشت و سلامت

بخش بهداشت و سلامت از حوزه‌های متأثر از تغییر اقلیم است که در راهبردهای سازمان جهانی بهداشت (WMO) نیز به آن توجه شده است. شکل ۵ میزان مرگ‌ومیر ناشی از تبعات تغییر اقلیم را در سطح جهان و از جمله ایران نشان می‌دهد. این نقشه توسط گروهی در مرکز پایداری و محیط زیست جهانی^۳ و به استناد اطلاعات WMO تولید شده است. در مجموع آسیب‌پذیری حوزه سلامت کشور از این بابت قابل ملاحظه است.

1. World Economy Forum
2. Globalization
3. <http://nelson.wisc.edu/sage/>

شکل ۵. میزان مرگ‌ومیر قابل استناد به تغییر اقلیم در کشورهای مختلف^۱

۵-۱-۱. راهبردهای امنیتی

در حوزه امنیتی شاخصی تحت عنوان «شاخص امنیت جهانی روی تغییر اقلیم»^۲ تعریف شده است. کارکرد شاخص این‌گونه است که تعیین می‌کند دولت‌های جهان تا چه میزان موضوع تغییر اقلیم را در امنیت ملی خود دخالت داده‌اند و چگونه نهادهای نظامی و امنیت ملی برای تأثیرات این پدیده برنامه‌ریزی کرده‌اند. در گزارش سال ۲۰۱۶، مؤسسه ASP^۳ اشاره می‌کند که حدود ۷۰ درصد کشورهای جهان به‌صراحت تغییر اقلیم را به عنوان یک چالش برای برنامه‌های امنیت خود مورد توجه قرار داده‌اند. این گزارش که ۱۹۶ کشور را بررسی و برای ۱۵۵ مورد آنها اسناد لازم را پیدا کرده، آنها را بر اساس برنامه‌های امنیتی‌شان در چهار گروه مطابق زیر تقسیم کرده است:

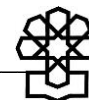
۱. کشورهایی که به‌صراحت «تغییر اقلیم» را به عنوان تهدیدی برای امنیت ملی‌شان اعلام کرده‌اند. این تهدید یا در اسناد رسمی دولتی آنها آمده و یا در بیانیه‌های مقامات بلندپایه دولتی قابل ملاحظه است (۱۱۰ کشور از ۱۵۵ کشور، ۷۱ درصد).

۲. کشورهایی که این پدیده را به عنوان یک موضوع چالشی محیط زیستی مورد توجه قرار داده‌اند، اما، اقلیم را در برنامه‌های کمک‌رسانی و امدادسانی خود مورد توجه قرار داده و نمی‌خواهند آن را به عنوان یک تهدید امنیتی جلوه دهند (۳۲ کشور از ۱۵۵ کشور، ۲۱ درصد).

۳. کشورهایی که این پدیده را مورد توجه قرار نداده‌اند. این نوع کشورها معمولاً کوچک هستند و اصولاً برنامه امنیتی مشخصی ندارند (۱۳ کشور از ۱۵۵ کشور، ۸ درصد).

۴. کشورهایی که اسناد خاصی از آنها برای تهیه این گزارش به دست نیامد. بخشی از آنها هم

1. http://crnano.typepad.com/crnblog/2005/11/death_from_clim.html
 2. Global Security Defense Index on Climate Change
 3. American Security Project, <https://www.americansecurityproject.org>



کشورهایی بودند که در شرایط مناقشات امنیتی و یا بعد از آن قرار داشتند و راهبردهای نظامی آنها هنوز تدوین نشده بود (۴۴ کشور از ۱۹۶ کشور، ۴۱ درصد). متذکر می‌شود که در این گزارش از ایران اطلاعات لازم به دست نیامده و در دسته چهارم قرار گرفته است.

۲. سیاست و راهبردهای تغییر اقلیم در ایران

سیاست تغییر اقلیم شامل سیاست‌هایی است که برای مقابله با تغییر اقلیم تدوین شده است و می‌تواند مقیاس محلی، کشوری و بین‌المللی داشته باشد. این سیاست‌ها عمدتاً در دو طبقه قابل تقسیم‌اند: ۱. آنهایی که تمرکزشان بر حداقل نمود شرایط برای وقوع تغییر اقلیم است و تمرکزشان بر کاهش تولید گازهای گلخانه‌ای بوده که به اصطلاح «تخفیف» نامیده می‌شوند. ۲. آنهایی که تلاش دارند تا با تمهیدات فردی، اجتماعی و نهادی، مخاطرات این پدیده را کم کرده و در عین حال از فرصت‌های آن استفاده کنند که آن را «سازگاری» می‌نامند. اما «راهبرد تغییر اقلیم»، یک برنامه اقدام فشرده برای حصول به اهدافی است که «سیاست‌های تغییر اقلیم» در تعریف و تدوین ساختار آن نقش‌آفرینی می‌کند.

۲-۱. دولت جمهوری اسلامی و کنوانسیون‌های بین‌المللی تغییر اقلیم

به دنبال مشهود شدن آثار پدیده تغییر اقلیم، سازمان‌های جهانی و در رأس آنها سازمان ملل، فعالیت‌های متنوعی را برای مدیریت این پدیده و کاهش گازهای گلخانه‌ای آن در دستور کار قرار داده که از مهم‌ترین آنها کنوانسیون UNFCCC^۱ است که در نهم ماه مه ۱۹۹۲ در مقر سازمان ملل به تصویب رسید. تا اواسط سال ۱۹۹۹ بیش از ۱۷۵ کشور عضو سازمان ملل به عضویت آن درآمدند یا پذیرفتند خود را ملزم به رعایت مفاد UNFCCC کنند. ایران نیز در سال ۱۹۹۶ پس از تصویب هیئت دولت و مجلس شورای اسلامی به عضویت این کنوانسیون درآمد.

در پاسخ تعهدات ایران به کنوانسیون، «دفتر طرح ملی تغییر آب‌وهوا» در ژانویه ۱۹۹۸، تحت نظارت سازمان حفاظت محیط زیست تأسیس شد. مسئولیت آن مواردی مانند: آگاه‌سازی عمومی و همکاری بین‌المللی، ایجاد ظرفیتی ملی به منظور پاسخ ساختاریافته به چالش‌های تغییر اقلیم و اجرای پروژه‌های سازوکار توسعه پاک^۲ (CDM) است. در ادامه پیمان‌هایی مانند کیوتو^۳ (۱۹۹۷ میلادی) و COP21 نیز به آنها اضافه شدند که جمهوری اسلامی ایران اقداماتی را در این باره اتخاذ کرده است.

1. United Nations Framework Convention on Climate Change
2. Clean Development Mechanism
3. Kyoto Protocol

۲-۲. مجلس شورای اسلامی و کنوانسیون‌های تغییر آب‌وهوا

مجلس شورای اسلامی تاکنون در پنج مرحله به کنوانسیون‌های جهانی آب‌وهوایی ورود پیدا کرده است که به ترتیب عبارتند از:

الف) *قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون تغییرات آب‌وهوا مصوب ۱۳۷۱ هجری شمسی برابر با ۱۹۹۲ میلادی (تاریخ تصویب ۰۳/۰۶/۱۳۷۵)*

ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود به کنوانسیون تغییرات آب‌وهوا مشتمل بر یک مقدمه و بیست‌وشش ماده و دو ضمیمه به شرح پیوست ملحق شود و اسناد مربوط به آن را تسلیم کند. دولت جمهوری اسلامی ایران در صورتی مجاز به استفاده از ماده (۱۴) کنوانسیون در مورد حل اختلاف است که در این مورد مراتب به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

ب) *قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به پروتکل کیوتو در مورد کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد در مورد تغییر آب‌وهوا (مصوب ۰۳/۱۰/۱۳۸۴)*

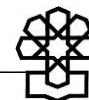
ماده واحده - به دولت جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود با رعایت اصول پنجاهم (۵۰) و یکصدوسی‌ونهم (۱۳۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نسبت به الحاق به پروتکل کیوتو از ملحقات کنوانسیون تغییر آب‌وهوا ۱۳۷۱ هجری شمسی (۱۹۹۲ میلادی) مشتمل بر یک مقدمه و بیست‌وهفت ماده و دو ضمیمه به شرح پیوست اقدام و اسناد مربوط را تسلیم نماید. دولت جمهوری اسلامی ایران در صورتی مجاز به استفاده از ماده (۱۸) پروتکل و ماده (۱۴) کنوانسیون در مورد حل اختلاف است که در این مورد مراتب به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

ج) *قانون پذیرش اصلاحیه ضمیمه «ب» پروتکل کیوتو در مورد کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد در مورد تغییر آب‌وهوا*

ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود با توجه به ماده (۱۹) و بند «۴» ماده (۲۰) پروتکل کیوتو در مورد کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد در مورد تغییر آب‌وهوا، اصلاحیه ضمیمه «ب» آن برای افزودن نام «بلاروس» به ضمیمه یادشده را بپذیرد و سند پذیرش آن را نزد امین اسناد تودیع نماید.

د) *قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کاپ ۲۱*

مجلس شورای اسلامی پس از بررسی موافقتنامه کاپ ۲۱، آن را در تاریخ ۱۳۹۵/۸/۱۳ به تصویب رساند. در ادامه، این لایحه موسوم به «لایحه موافقتنامه پاریس» در تاریخ ۱۳۹۵/۸/۲۵ به شورای نگهبان برای تأیید نهایی ارسال شد. اما، شورای نگهبان ایراداتی را به بندهایی از مواد (۴) و (۲۳) آن وارد کرد که تا این تاریخ پاسخی برای آن ارسال نشده است.

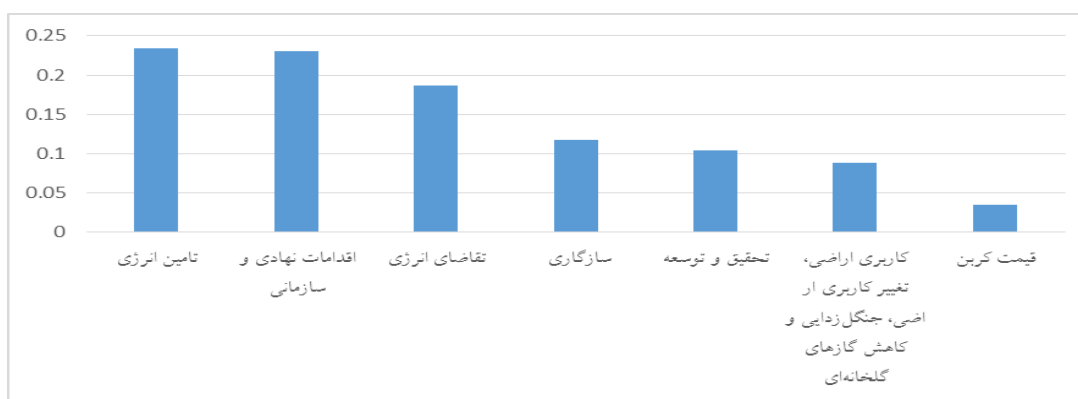


۳. سبیری بر قوانین کشورهای در مبحث تغییر اقلیم

در این بخش به بررسی و مقایسه قوانین تغییر اقلیم ناحیه‌های مختلف جهان از سال ۱۹۶۳ تا ۲۰۱۷ در حوزه‌ها و چارچوب‌های مختلف پرداخته می‌شود. این مقایسه در دو مقطع زمانی، قبل از توافقنامه بین‌المللی کیوتو و بعد از آن انجام شده است.

به دنبال این موافقتنامه و به خصوص تمرکز آن بر کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، قوانین و سیاست‌گذاری‌های متنوعی در این راستا در کشورهای جهان وضع شد و در دستور کار قرار گرفت. مراجع مختلفی تلاش کرده‌اند تا آنها را دسته‌بندی کنند که مرجع «تغییر اقلیم و قوانین جهانی»^{۲،۱} بیشترین توجه را به خود جلب کرده است. این مرجع، اقدامات کشورها را در هفت دسته اصلی تقسیم‌بندی کرده که هم رویکردهای کاهش گازهای گلخانه‌ای^۳ و هم سازگاری^۴ را شامل می‌شوند، هرچند تمرکز اصلی بر رویکرد اول بوده است. این محورها عبارتند از: ۱. سازگاری با تغییر اقلیم، ۲. قیمت کربن، ۳. تقاضای انرژی، ۴. تأمین انرژی، ۵. اقدامات نهادی و سازمانی، ۶. کنترل تغییر کاربری اراضی و جلوگیری از جنگل‌زدایی به منظور ممانعت از تولید گازهای گلخانه‌ای^۷. تحقیق و توسعه. نمودار ۱ توزیع قوانین را بر اساس محورهای مورد اشاره نشان می‌دهد. این قوانین و توزیع آن تابع عواملی مانند: ۱. تعهدات کشورها در مقابل کاهش گازهای گلخانه‌ای، ۲. تاب‌آوری در مقابل مخاطرات اقلیمی، ۳. ورود جدی بحث‌های محیط زیستی در سیاستگذاری‌ها و ۴. مقابله با نوسانات قیمت حامل‌های انرژی، بهره‌برداری از انرژی‌های نو و تجدیدشونده، بوده است.

نمودار ۱. فراوانی رویکردهای قوانین کشورهای جهان در تسکین و سازگاری با تغییر اقلیم



1. Climate Change Laws of the World, <http://www.lse.ac.uk/GranthamInstitute/climate-change-laws-of-the-world>

۲. مدرسه علوم اقتصادی و سیاسی لندن.

3. Mitigation

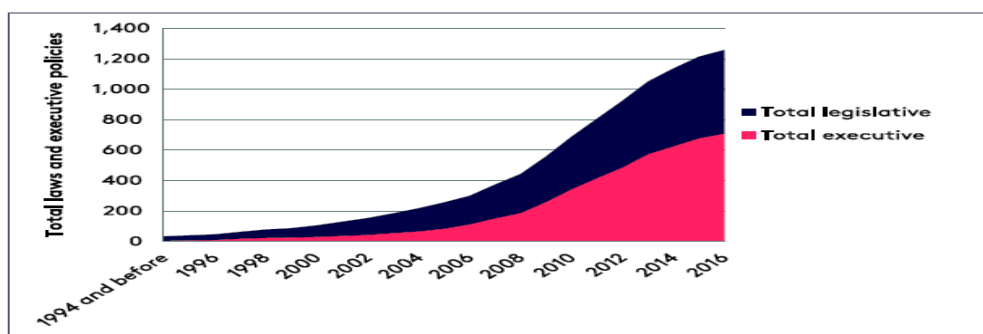
4. Adaptation

۳-۱. سیر زمانی قوانین^۱ و دستورات اجرایی^۲ مرتبط با تغییر اقلیم

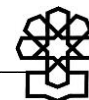
این بررسی شامل قوانین و دستورات اجرایی رؤسای کشورها در چارچوب اختیاراتشان بوده است. طبق آن تا سال ۲۰۱۷، بیش از ۱۲۰۰ مورد از این قوانین و دستورات اجرایی در ۱۶۴ کشور جهان وضع شده است. به این معنا که تا سال ۱۹۹۷ تعداد آنها حدود ۶۰ بوده و طی بیست سال پس از کیوتو، تعداد آنها حدوداً ۲۰ برابر شده است. این روند در نمودار ۲ قابل مشاهده است.

نمودار ۲. روند تجمعی تعداد قوانین (Legislation) و دستورات اجرایی (Executive) مرتبط با

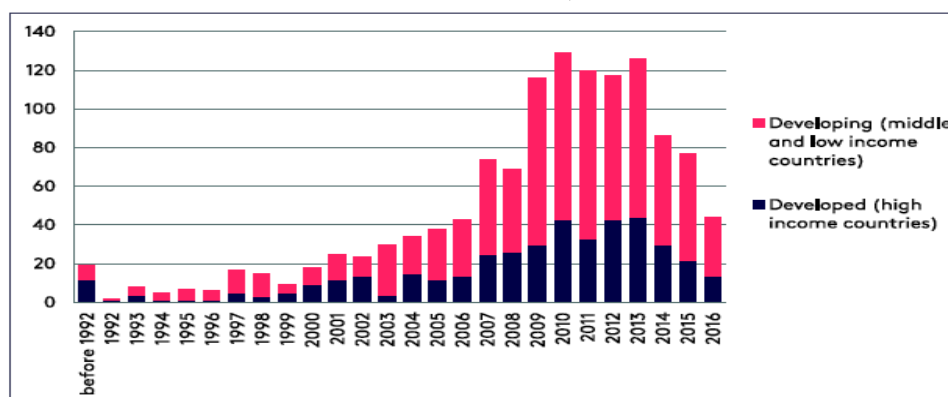
تغییر اقلیم از سال ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۷ (Nachmany et al., 2017)



همین سیر را می‌توان در نمودار ۳ نیز ملاحظه کرد. در این شکل تعداد قوانین وضع شده در سال برای کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه آمده است. قابل مشاهده است که این تعداد به خصوص بعد از سال ۲۰۱۳ رو به کاهش بوده و همچنین تفاوت تعداد قوانین بعد از اواسط دهه ۲۰۰۰ بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه مشهود است.



نمودار ۳. روند تعداد قوانین وضع شده در سال مربوط به کشورهای توسعه یافته (Developed) و در حال توسعه (Developing) مرتبط با تغییر اقلیم از سال ۱۹۴۴ تا ۲۰۱۷ (Nachmany et al., 2017)



۴. اقدامات تقنینی در حوزه تغییر اقلیم در استرالیا

اقلیم استرالیا شباهت‌های قابل توجهی با شرایط اقلیمی ایران دارد که از این بابت مورد اشاره قرار می‌گیرد. اما در پاسخ به شرایط تغییر اقلیم، مهم‌ترین اصل بر این باور است که «آحاد ملت باید در فرایند تاب‌آوری با تغییر اقلیم حضور داشته باشند و از آن پشتیبانی کنند».

این کشور طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ قوانین متعددی را برای پاسخ به پدیده تغییر اقلیم به خصوص از منظر «کاهش گازهای گلخانه‌ای» و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای تدوین و تصویب کرده است (Australian Government, 2015; 2017). همچنین در تعدادی از قوانین متناسب با این شرایط تعدیلاتی شده و یا به طور مستقیم از ظرفیت آنها در پاسخ به این پدیده استفاده شده است؛ به خصوص قوانینی که توجه ویژه به محیط زیست داشته‌اند. همچنین، مهم‌ترین وظایف دولت مطابق زیر قابل تعریف است:

- فراهم ساختن بستر لازم برای ارائه اطلاعات معتبر آب‌وهوایی جهت اتخاذ تصمیمات آگاهانه در پاسخ به خطرات آب‌وهوایی و در عین حال ارتقای دانش مربوط،
- مدیریت خطرات و حفظ دارایی‌های عمومی (شامل منابع طبیعی، محیط زیست داخلی و سیستم‌های دریایی)،
- حفظ انعطاف‌پذیری اقتصاد قوی کشور،
- استمرار و حفظ ارائه خدمات دولت به مردم،
- ایجاد محیط لازم برای حمایت و ارتقای تاب‌آوری و فعالیت‌های بخش خصوصی، امنیت دارایی‌ها، سرمایه‌گذاری‌ها و زیرساخت‌های مربوط،

- حفظ ظرفیت اقتصادی کشور و حمایت از بخش‌های آسیب‌پذیر،
- توجه به شرایط فرامرزی به خصوص به کشورهای در حال توسعه در آسیا مانند پاکستان^۱ و تبعات آنها بر استرالیا و کمک به ایجاد ظرفیت سازگاری در آنها.

۵. اصول نظری در تدوین قانون تغییر اقلیم

این قسمت بر اساس یافته‌های جهانی و ظرفیت‌های کشور، مواردی را بیان می‌کند که باید در تدوین «قانون تغییرات اقلیمی» مورد توجه قرار گیرد.

۵-۱. اصول نظری در تدوین قانون تغییر اقلیم

بر اساس جمع‌بندی قوانین مرتبط با تغییر اقلیم، موارد زیر به عنوان مهم‌ترین اصول مدنظر در تدوین آنها قابل ارائه هستند:

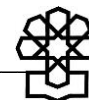
- الف) به رسمیت شناختن پدیده تغییر اقلیم و مخاطرات آن بر کیفیت زندگی، توسعه کشور، محیط زیست و تمدن آن،
- ب) باور اینکه خسارات این پدیده به مراتب بیش از هزینه‌کرد برای سازگاری با آن است،
- ج) کشورهای فقیر از قبل این پدیده فقیرتر می‌شوند و لازمه مقابله با آن افزایش ثروت ملی است،
- د) ارتقای ظرفیت‌های اجتماعی و مشارکت مردم،
- ه) لزوم نگاه و سیاستگذاری بلندمدت به این پدیده بر اساس اصول توسعه پایدار و تعهد به نسل‌های آینده،
- و) لزوم برنامه‌ریزی نظام‌مند (سیستماتیک)، غیرمتمرکز و یکپارچه و جاری‌سازی آن در برنامه‌های توسعه،
- ز) استفاده حداکثری از ظرفیت‌های فرهنگی، علمی و ملی خود و در عین حال ظرفیت‌های بین‌المللی و ضرورت شفافیت، پایش، ارزیابی و پاسخگویی.

۵-۲. ویژگی‌های قابل ارائه برای یک قانون عمومی تغییر اقلیم

مهم‌ترین انتظارات از قانون عمومی تغییر اقلیم در ایجاد تکالیف قانونی برای دولت و در عرصه اجرا، حول محورهای زیر قابل تأکید است:

- تعیین اختیارات دولت و مؤسسات تابعه و تسهیل عملیات اجرایی،
- سازمان و نهادسازی در مدیریت این پدیده،
- جاری‌سازی^۲ چالش تغییر اقلیم در برنامه‌های وزارتخانه‌ها، سازمان‌های دولتی و غیردولتی (مانند شهرداری‌ها)،

۱. توجه خاص به پاکستان می‌تواند به دلیل سابقه طولانی مهاجرت اتباع این کشور به استرالیا باشد.



- تهیه برنامه‌های بالادستی مانند: برنامه‌های پنج‌ساله توسعه و آمایش کشوری با لحاظ محرک‌های^۱ این پدیده، تبعات و سازگاری با آن،
- تأکید بر شناسایی و بهره‌برداری از فرصت‌های این پدیده (مانند انرژی‌های نو)،
- بسترسازی برای تولید شفاف داده و اطلاعات و امکان دسترسی همگانی به آن،
- بسترسازی برای تغییر الگوی مصرف در راستای سازگاری با تغییر اقلیم،
- بسترسازی برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای،
- حمایت از تحقیق و توسعه در ابعاد مختلف آن،
- تأمین منابع مالی،
- تسهیل و بسترسازی برای ارتقای مشارکت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی جامعه،
- تعریف سازوکارهای لازم برای نظارت و ارزیابی اقدامات.

۳-۵. مؤلفه‌های قانون عمومی تغییر اقلیم

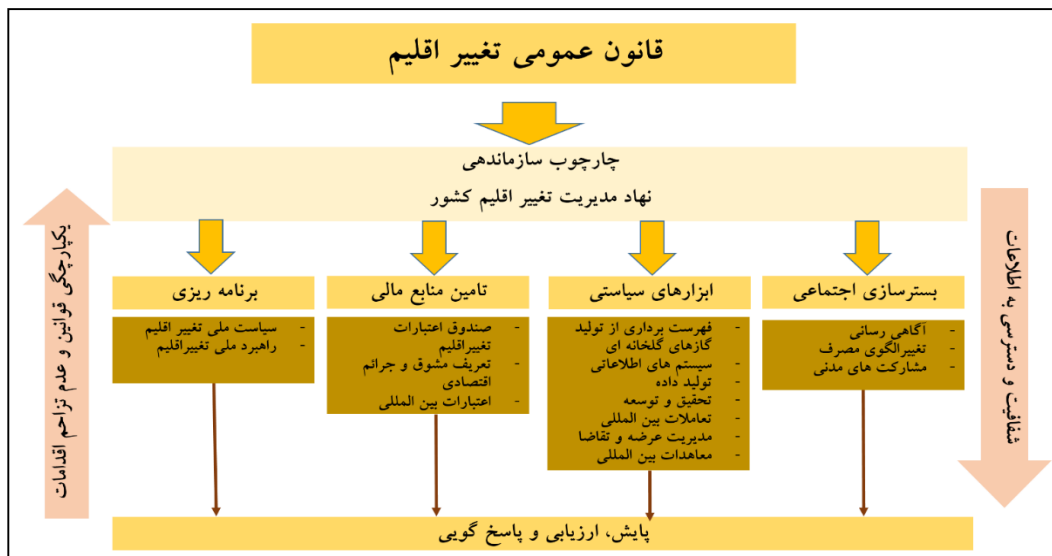
مجموعه فوق و ارتباط بهتر آنها را می‌توان در نمودار ۴ خلاصه کرد. بدین ترتیب خروجی قانون عمومی تغییر اقلیم تعریف نهادی نظام‌مند برای مدیریت این پدیده خواهد بود که از چهار مؤلفه اصلی شامل: برنامه‌ریزی، تأمین مالی، ابزار و اقدامات فنی و بسترسازی اجتماعی برخوردار خواهد بود. در نهایت این مؤلفه‌ها به بخش انتهایی وصل می‌شوند که «پایش، ارزیابی و پاسخگویی» است. دو اصل تحت عنوان «شفافیت، دسترسی به اطلاعات و ارتقای دانش» و «یکپارچگی قوانین و عدم تداخل اقدامات» نیز بر تمامی مؤلفه‌ها و فرایندهای مربوط حاکمیت دارد. مهم‌ترین کارکردهای هر مؤلفه از نمودار ۴ قابل مشاهده هستند. در ادامه برای «نهاد مدیریت» و «مؤلفه برنامه‌ریزی» شرح بیشتری ارائه می‌شود.

۱-۳-۵. نهاد مدیریت تغییر اقلیم کشور

نهاد و سازمان مسئول در مدیریت تغییر اقلیم و برنامه‌ریزی آن در کشورهای مختلف رویکردهای متفاوتی داشته و مطابق زیر قابل دسته‌بندی هستند:

- تعریف وزارتخانه خاص (مانند وزارت تغییر اقلیم پاکستان)،
- قرار گرفتن در کنار عنوان وزارتخانه‌های موجود که معمولاً وزارت محیط زیست بوده است (مانند وزارت محیط زیست و تغییر اقلیم اندونزی)،
- قرار نگرفتن این عنوان در هیچ‌کدام از وزارتخانه‌ها و تعریف وظایف جدید در دستور کاری وزارتخانه‌های موجود (مانند استرالیا).

نمودار ۴. چارچوب قانون عمومی تغییر اقلیم و مؤلفه‌های آن



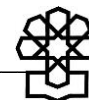
در شرایط فعلی کشور چنین سازوکاری در دفتری ذیل «معاونت محیط زیست انسانی» در سازمان حفاظت محیط زیست تحت عنوان «دفتر طرح ملی تغییرات آب‌وهوا» تعریف شده است که مسلماً نمی‌تواند ظرفیت کافی را برای عملیاتی کردن اهداف قانون تغییر اقلیم داشته باشد. جدای از اینکه کدام‌یک از سه الگوی فوق برای نهاد رسمی تغییر اقلیم مورد استفاده قرار گیرد، ضروری است این نهاد وظایف ذیل را در چارچوب مجموعه‌ای از سیاست‌ها، قوانین و تعهدات بالادستی دنبال کند:

- تدوین راهبردهای ملی مرتبط با تغییر اقلیم،
- ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی،
- مشارکت در تدوین برنامه‌های ملی مرتبط و در شرایط لازم اصلاح آنها،
- تدوین و اجرای سیاست‌های ملی در زمینه کاهش گازهای گلخانه‌ای و سازگاری با تغییر اقلیم، و جاری‌سازی آنها در برنامه‌ها و اقدامات مربوط به بخش‌های مختلف،
- توسعه معیارهایی جامع برای پایش و ارزیابی اقدامات با توجه به اثرات چندبخشی/چندسطحی پدیده تغییر اقلیم.

۲-۳-۵. مؤلفه برنامه‌ریزی

مهم‌ترین محورها در مؤلفه برنامه‌ریزی تبیین و تدوین «سیاست» و «راهبردهای ملی تغییر اقلیم» است. بر اساس قانون عمومی تغییر اقلیم، اصولی تعریف می‌شوند که راهبردها و سیاست‌های ملی مرتبط را هدایت خواهند کرد. این اصول عبارتند از:

- پایداری در بهره‌برداری از منابع طبیعی و حفظ محیط زیست،



- مسئولیت مشترک دولت و جامعه،
- درک عدم قطعیت‌های متأثر از پدیده تغییر اقلیم و اتخاذ تمهیدات لازم برای آنها،
- پذیرش الگوی مسئولانه تولید و مصرف،
- اجماع، هماهنگی و همکاری متقابل دولت با بخش‌های مختلف اجتماعی، عمومی و خصوصی،
- شفافیت و دسترسی به اطلاعات و عدالت،
- توسعه اقتصادی و حفظ مزیت‌های اقتصادی کشور در بازارهای جهانی در شرایط جدید اقلیمی.

۱-۲-۳-۵. راهبرد ملی تغییر اقلیم

- اهداف

راهبرد ملی تغییر اقلیم در میان مدت و بلندمدت، ابزار هدایت سیاست تغییر ملی اقلیمی برای مقابله با اثرات این پدیده و تبدیل کشور به اقتصادی رقابتی و پایدار با انتشار کم کربن است. همچنین، بستر لازم را برای پذیرش مسئولیت‌های مشترک اجتماعی فراهم می‌آورد.

- چشم‌انداز

راهبرد ملی بیش از آنکه بخواهد به‌طور مستقیم برنامه جدیدی را ارائه دهد، تلاش می‌کند تا در اسناد و برنامه‌های بالادستی (مانند قوانین برنامه پنج‌ساله توسعه) به طوری مؤثر باشد تا «کاهش گازهای گلخانه‌ای» و «سازگاری» با این پدیده در آنها و متعاقباً در کشور جاری‌سازی شود.

- فرایند توسعه راهبرد

لازم است در فرایند توسعه راهبردها از ظرفیت‌های علمی دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی، نظرات کارشناسی بخش‌های مختلف دولت، حضور گرووداران و تجربیات جهانی در بهترین شکل ممکن استفاده شود.

- ساختار

راهبرد ملی تغییر اقلیم بستری برای تدوین سیاست‌های مربوط است و به این منظور می‌تواند سه محور اصلی را در خود جای دهد:

- اصول کلی سیاست ملی تغییر اقلیم،
 - سازگاری با آثار تغییر اقلیم،
 - توسعه با انتشار کم گازهای گلخانه‌ای (کاهش گازهای گلخانه‌ای).
- ساختار و اجزای ارکان فوق در نمودار ۵ نشان داده شده است.

- زمان‌بندی و اقدامات

برای حصول به موارد فوق لازم است تا زمان‌بندی و اقداماتی خاص تعریف شود. این مجموعه باید بر اساس خرد جمعی و متناسب با شرایط کشور، در افق‌های کوتاه تا بلندمدت بیان شود.

نمودار ۵. ساختار نگاهت راهبرد ملی تغییر اقلیم



۲-۳-۵. اصول کلی سیاست ملی تغییر اقلیم

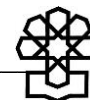
تغییر اقلیم، تمامی بخش‌های کشور را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. بدین منظور همکاری و هماهنگی فشرده‌ای را بین بخش‌ها و نهادهای مختلف و مربوط نیاز دارد. بر این اساس، در ذیل به اختصار به اصول لازم به توجه تدوین سیاست ملی تغییر اقلیم، پرداخته می‌شود:

- هماهنگ‌سازی سیاست‌ها و اقدامات مرتبط با سازگاری با تغییر اقلیم

سیاست‌گذاری برای این پدیده، به اقداماتی جامع، چندبخشی، چندسطحی و متنوع نیاز دارد. در این راستا، سیاست‌های بخش‌های مختلف نباید متناقض و در تزاخم با هم باشند.

- توسعه ابزارهای مالی و اعتباری خاص

برای انجام اقدامات لازم در برخورد با تغییر اقلیم؛ پشتیبانی مؤثر، فرصت‌سازی و اعتبارات کافی اقتصادی مورد نیاز است. بدیهی است که در شرایط کنونی که کشور با محدودیت‌های مالی روبه‌رو است، باید بر کارآمدی و کارایی اقدامات به طور ویژه تمرکز داشت - آنچه در کشور تجربه موفقیت‌آمیزی از آن وجود ندارد. حرکت به سوی کارآمدترین اقدامات، به شکل جدیدی از رویکردها و خلق ابزارها، مقررات، روش‌های ارزیابی اثربخشی اقدامات و برنامه‌های نو نیاز دارد. این امر باعث می‌شود تا به طور مسئولانه‌ای منابع، استفاده و مدیریت شوند. مثال‌هایی در این رابطه عبارتند از: قیمت‌گذاری آب، محصولات کشاورزی و حامل‌های انرژی، تنظیم یارانه‌ها و ارزش اقتصادی بیشتر از خدمات محیط زیستی. در نهایت امید است با این سیاست‌گذاری، انگیزه لازم برای مدیریت مصرف و شرایط بهتری برای زندگی مردم (با حداقل حفظ وضع موجود) تحقق یابد. البته در مواردی این اقدامات می‌توانند با رویکردهای جاری در برنامه‌های



توسعه کشور در تضاد باشند.

– بسترسازی برای تحقق خلاقیت در جهت توسعه خلاقانه فناوری‌های همسو با شرایط اقلیمی
برای مقابله با تغییر اقلیم؛ تولید دانش، استفاده از علوم نو، خلاقیت و نوآوری، آموزش و در نهایت استفاده از این مجموعه در برنامه‌های جاری کشور لازم و متضمن حفظ پایداری آن است. تحقیق پیرامون تغییر اقلیم در کشور ما سابقه‌ای حدود دو دهه دارد. این مهم در دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی مورد توجه قرار گرفته، اما هنوز به خصوص در بخش‌هایی مانند مطالعات اجتماعی، محیط زیستی، فناوری‌های کاهش گازهای گلخانه‌ای/سازگاری و سیاستگذاری کلان آن به کار بیشتری نیاز است. همچنین از طرفی این داشته‌ها هنوز در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌ها جایگاه لازم را پیدا نکرده است.

موارد فوق باید با لحاظ شرایط متنوع جغرافیایی و اقلیمی کشور در بستری مناسب تجمیع و همبسته شوند تا بتوان: ۱. بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی، مناطق و مردم آسیب‌پذیرتر کشور را شناسایی کرد، ۲. زیرساخت‌های مورد نیاز برای کاهش گازهای گلخانه‌ای و سازگاری را تشخیص داد، ۳. ابزار لازم را برای ترغیب بخش‌های مختلف جهت کمک به سیاست ملی تغییر اقلیم شناخت و ۴. رویکردهای لازم را در نحوه پایش و ارزیابی اقدامات تعیین کرد.

– تشویق و ترغیب فرهنگ سازگاری با اقلیم

در شرایط حاضر جمعیت کشور کم‌وبیش در حال افزایش بوده و از طرفی انتظارات جامعه نیز به تناسب رو به فزونی است. آموزش و دانش، ابزاری غیرقابل اجتناب برای شهروندان در شناخت حقوق شهروندی، آگاهی از وظایف و مسئولیت‌های اجتماعی و رسیدن به شرایط لازم در تصمیم‌گیری مبتنی بر آگاهی، در زندگی روزانه خود است. به این منظور از همان مقاطع تحصیلی اولیه نیاز است تا این موضوع در دستور کار «وزارت آموزش و پرورش» و در ادامه به طور جدی‌تری در مقاطع دانشگاهی قرار گیرد. در عرصه تولید نیز باید محصولات از این منظر دسته‌بندی شوند، بدین معنا که به مصرف‌کنندگان اعلام شود که به عنوان مثال ردپای انرژی، آب و کربن در تولید آنها چه میزان است.

در هر صورت لازم است تا نگاه جامعه را به این پدیده و تبعات آن حساس کرد، البته کاملاً حساب شده که موجب بی‌تفاوتی نشود. رویکردی که در دیگر کشورها از طریق نظرسنجی‌های خاص دنبال می‌شود. تمامی این تلاش‌ها برای آن است که شهروندان نسبت به مسئولیت‌های اجتماعی خود در خصوص این پدیده (مانند محافظت از محیط زیست، مصرف کمتر، بازچرخانی و ...) آگاه شوند و به آن توجه کنند.

– مشارکت اجتماعی، شفافیت، دسترسی به اطلاعات و عدالت

این راهبرد نشأت گرفته از اصل دهم اعلامیه «محیط زیست و توسعه ریو» در سال ۱۹۹۲ است که در آن تأکید می‌کند: چالش‌های محیط زیستی در بهترین حالت با مشارکت شهروندان مربوط به طور مناسبی قابل مدیریت است. در سطح ملی، هر فرد می‌بایست به اطلاعات محیط زیستی دسترسی داشته

و در فرایند تصمیم‌گیری‌ها بتواند مشارکت داشته باشد. دولت نیز باید آگاهی و مشارکت عمومی را از طریق تسهیل در دسترسی به اطلاعات، ترغیب و ارتقا بخشد. شاید، مثالی از آن اقدامات، هزینه و اثربخشی اقدامات انجام شده در احیای دریاچه ارومیه است.

در اصل پنجاهم قانون اساسی آمده است: «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌شود. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است». لذا، بستر قانونی برای پرداختن به این محور کاملاً فراهم است.

– سنجش، پایش، ارزیابی و بررسی اثربخشی اقدامات

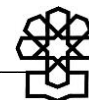
سنجش، پایش، ارزیابی و بررسی اثربخشی اقدامات؛ شفافیت و قطعیت اقدامات را تضمین می‌کند. همچنین این رویکرد موجب تضمینی برای حصول به محیطی که در آن: ۱. شفافیت و دقت اطلاعاتی وجود دارد، ۲. اقدامات از جامعیت کافی برخوردار باشند، ۳. اقدامات نسبت به هزینه‌کردها اثربخش بوده‌اند و ۴. پاسخگویی وجود دارد را فراهم می‌آورد. مجموعه عناصر این زیرمحور موجب ارتقای کیفیت اقدامات سازگاری و کاهش گازهای گلخانه‌ای می‌شود. بنابراین، آنها در طراحی، پیاده‌سازی و ارزیابی سیاست عمومی ملی مفید به فایده هستند.

– تقویت همکاری‌های ملی و بین‌المللی

ایران در چارچوب تعهدات بین‌المللی خود، تاکنون اقداماتی را در خصوص تغییر اقلیم به انجام رسانده است. کشور معاهده کیوتو را تصویب کرده و تاکنون سه گزارش ملی آب‌وهوا را در سال‌های ۲۰۰۳، ۲۰۰۶ و ۲۰۱۶ ارائه داده است. از اوایل دهه ۱۳۸۰ نیز این موضوع به طور جدی مورد توجه دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی کشور قرار گرفته است. لذا، کشور برای انجام اقدامات تقنینی و عملیاتی در مدیریت این پدیده، توان علمی لازم را دارد. حتی این ظرفیت در حدی است که بتواند در منطقه نیز نقش‌آفرینی بیشتری داشته باشد.

۴-۵. بازبینی، ارزیابی و اصلاح راهبرد ملی تغییر اقلیم

اصولاً، «راهبرد ملی تغییر اقلیم»، برنامه‌ای نیست که یک بار تهیه و تحویل شود. بلکه فرایندی است که باید پایش و ارزیابی شده و حین کار ایرادات آن اصلاح شود. این بازبینی را می‌توان در مقاطع مختلف زمانی به انجام رساند و طی آن سناریوها، چشم‌اندازها و اهداف را به‌نگام کرد. در این باره عواملی مانند: ۱. تعهدات جدید جهانی، ۲. دانش جدید، ۳. سیاست‌های جدید (در حوزه محیط زیست، امنیت غذایی، اقتصادی، انرژی، حمل‌ونقل و سلامت) و ۴. خودارزیابی و شناخت نقاط ضعف‌های آن قابل توجه هستند.



جمع‌بندی این خلاصه گزارش در قالب محورهای ذیل قابل ارائه است:

- بررسی جهانی تغییر اقلیم، نشان از تبعات منفی این پدیده بر شرایط اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی و در نهایت امنیت ملی کشورها دارد. تهدیدهایی که بطور شدیدتر متوجه عرض‌های میانی کره زمین (موقعیت جغرافیایی کشور ایران) است. از این رو باید ابعاد مختلف این پدیده مورد توجه قرار گیرد. در این راستا اقدامات تقنینی از مهم‌ترین آنها هستند که می‌تواند بستر لازم را برای تدوین راهبردها و سیاست‌های سازگاری با این پدیده فراهم آورد.
- بررسی سیر قوانین کشورها نشان می‌دهد که به خصوص بعد از پیمان کیوتو در سال ۱۹۹۷ - که ایران نیز از امضاکنندگان آن است - قوانین متعددی براساس «سازگاری با تغییر اقلیم» و «کاهش گازهای گلخانه‌ای» وضع شده است. قوانینی که تلاش داشته‌اند تا: ۱. کاهش آسیب‌پذیری از تغییرپذیری تغییر اقلیم را سبب شوند، ۲. ظرفیت سازگاری و تاب‌آوری جوامع را بالا ببرند، ۳. توسعه پایدار با تأکید بر حفظ محیط زیست را محقق کنند.
- روند وضع قوانین طی سال‌های اخیر کمتر شده و توجه بیشتر به سمت «جاری‌سازی» قوانین و اسناد بالادستی و ارزیابی نتایج عملیاتی آنها معطوف گشته و در مواقع لازم نیز اصلاح قوانین مورد توجه قرار گرفته است.
- با توجه به شرایط کشور، یک قانون عمومی برای سازگاری با پدیده تغییر اقلیم به طور جدی ضروری به نظر می‌رسد. قانونی که با اتکا به ظرفیت‌های علمی و عملیاتی کشور، فرهنگ و هویت ملی، استفاده از تجربیات جهانی؛ راهبردها و سیاستگذاری‌های لازم را در سازگاری با این پدیده سبب شود. پیش‌نویسی از این قانون در گزارش اصلی طرح ارائه شده است.
- در تدوین قوانین مرتبط با مقابله و سازگاری با تغییر اقلیم، مهم‌ترین محورهای مورد توجه عبارت بوده‌اند از: ۱. تعیین اختیارات دولت، ۲. سازمان‌دهی برای مدیریت این پدیده، ۳. جاری‌سازی چالش تغییر اقلیم در تدوین قوانین جدید، تهیه اسناد بالادستی و برنامه‌های توسعه، ۴. بهره‌برداری از فرصت‌های این پدیده (مانند انرژی‌های نو)، ۵. تولید شفاف داده و اطلاعات و امکان دسترسی همگانی به آنها، ۶. تغییر الگوی مصرف، ۷. کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، ۸. حمایت از تحقیق و توسعه، ۹. ارتقای مشارکت و مسئولیت‌پذیری جامعه، ۱۰. نظارت و ارزیابی اقدامات.
- در کنار تدوین قوانین جدید، بازنگری قوانین قبلی و به خصوص برنامه‌های توسعه از منظر کاهش گازهای گلخانه‌ای، سازگاری با تغییر اقلیم، پایداری محیط زیست، ارتقای تاب‌آوری جامعه و کاهش آسیب‌پذیری مدنظر قرار گرفته شده است.
- در نهایت هم این اصل پذیرفته شده که تنها با اقتصادی پویا و مولد است که می‌توان بر تبعات منفی این پدیده فائق آمد.

منابع و مأخذ

1. Australian Government, (2015). National climate resilience and adaptation strategy, www.environment.gov.au
2. Australian Government, (2017). Climate change authority, Corporate plan 2017-18, www.climatechangeauthority.gov.au
3. Nachmany M., Fankhauser M., Setzer J. and Averchenkova A. (2017) Global trends in climate change legislation and litigation, Grantham Research Institute on Climate Change and Environment.
4. Schewe, J., Heinke, J., Gerten, D., Haddeland, I., Arnell, N.W., Clark, D.B., Dankers, R., Eisner, S., Fekete, B.M., Colón-González, F.J. and Gosling, S.N. (2014). Multimodel assessment of water scarcity under climate change. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 111(9), pp.3245-3250.
5. World Bank. 2016. High and dry: Climate change, water and the economy. International Bank for Reconstruction and Development



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۶۴۳۳

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: بررسی الزامات و اقدامات سازگاری با تغییر اقلیم و نقش قوه مقننه در آن. ۱. اصول تنظیم قوانین و برنامه‌های بالادستی در سازگاری با تغییر اقلیم

نام دفتر: مطالعات زیربنایی (گروه آب)

تهیه و تدوین کنندگان: سعید مرید، مهسا قطبی، زهرا سلیمی، زهرا امید

ناظران علمی: بهرام ثقفیان، جمال محمدولی سامانی، حسین افشین

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. تغییر اقلیم

۲. قوه مقننه

۳. سازگاری

۴. قوانین



تاریخ انتشار: ۱۳۹۸/۲/۲۸